

پاکستان: کنگره بیست و نهم سازمان «جد و جهد» - تجمعی تاریخی

نوشته: گرایش بین‌المللی مارکسیستی، لاهور

ترجمه: بابک کسرای babakkasrayi@yahoo.com

توضیح مترجم: حدود یک ماه و نیم پیش سازمان مارکسیستی «جد و جهد» در پاکستان ۲۹امین کنگره‌ی خود را برگزار کرد. این کنگره در حالی برگزار شد که پاکستان دستخوش جنگ و بیکاری و قطع برق و حملات تروریستی است. فروپاشی اقتصادی به مصائب توده‌ها افزوده و اعتراضات اجتماعی روز به روز افزایش می‌یابد. در این شرایط است که «جد و جهد» کنگره عظیم خود را برگزار کرد و در طول دو روز ۲۱۸۳ نفر در این کنگره شرکت کردند.

در زیر ترجمه‌ی گزارش روز اول کنگره را می‌خوانید (گزارش روز دوم نیز متعاقباً ترجمه و چاپ می‌شود).

کنگره بیست و نهم سازمان «جد و جهد» در میان بحرانی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برگزار شد که در تاریخ پاکستان بینظیر است. فروپاشی اقتصادی به مصائب وسیع بین توده‌ها انجامیده است. هر روز ۲۰ هزار نفر به دامان فقر سقوط می‌کنند. داغ بیکاری به افزایش مداوم قیمت ضروریات ساده و قطع هرروزه‌ی برق که شهر و محله و روستا را گاهی برای ده ساعت یا بیشتر در تاریکی فرو می‌برد، اضافه شده.

روزنامه‌نگاری مشهور اخیراً نوشت که ما باید آماده‌ی سر کردن با قطع برق باشیم چرا که دموکراسی داریم. چنین کلماتی برای میلیون‌ها نفر از پاکستانی‌ها که برای بقا تقلا می‌کنند چرند و توخالی است! تا جایی که به توده‌ها بر می‌گردد، انتخاب دولت حزب مردم به تغییر چندانی نیانجامیده. دولت تحت رهبری راست‌گرایانه‌ی زرداری سیاست حمله به خدمات و خصوصی‌سازی را پیش برده و کشور را به انقیاد امپریالیسم آمریکا در آورده و در جنگ جنایتکارانه در افغانستان شرکت کرده که این خود به مرگ و نابودی و بدبختی بیشتر انجامیده است.

کنگره در تالار چشمگیر «ایوان اقبال» در لاهور برگزار می‌شد. یک هفته پیش از کنگره، لاهور با سه انفجار خشونت‌آمیز که چندین نفر از مردم بیگناه و در ضمن تعدادی از پلیس و نظامیان را کشت، تکان خورد. اکنون تعداد حملات تروریستی در پاکستان بسیار بیشتر از عراق است و موقعیت مدام بدتر می‌شود. در نتیجه امنیت بسیار بالا بود و تعداد زیادی از رفقا نقش نگهبان را بازی می‌کردند.

در سال‌های گذشته شاهد افزایش مداوم تعداد شرکت‌کنندگان در کنگره بوده‌ایم اما امسال تمام رکوردهای سال‌های قبلی را شکست. در طول دو روز، تعداد کامل شرکت‌کنندگان ۲۱۸۳ نفر بود. در روز اول تمام صندلی‌های بالا و پایین اشغال بود و تعدادی از نمایندگان کنگره باید می‌ایستادند یا در راهروها می‌نشستند. این بخصوص به علت افزایش بسیار قیمت بلیت قطار است که هزینه سفر را بسیار گران‌تر از گذشته کرده است.

این واقعیت بدون شک تعداد شرکت‌کنندگان را محدود کرد و خطرهای جدی امنیتی که بمبگذاری‌ها باعث شد نیز همین نقش را داشت. در حالی که سایر سازمان‌های سیاسی و ان‌جی‌اوها در پاکستان در واقع به مردم پول می‌دهند تا در جلسه‌ها و کنفرانس‌هایشان

شرکت کنند، رفقای سازمان «جد و جهد» باید پول پیدا کنند تا به لاهور برسند و تازه باید برای شرکت در کنگره هم پول بدهند. باضافه امتحانات هم مشکلی برای دانشجویان بود. بدون این مشکلات شاهد تعداد حضوری حتی وسیع‌تر می‌بودیم که باعث می‌شد حتی تالار کنونی هم کافی نباشد.

اما در کار یافتن غذا کمک شد. در روزهای پیش از کنگره، گونی‌های برنج، آرد و قوطی‌های روغن حیوانی از روستاها از راه رسید. هواداران سازمان در این روستاها هر چه بتوانند اهدا می‌کنند تا غذای نمایندگان و بازدیدکنندگان فراهم شود. فقط پیدا کردن غذا و اقامت برای این همه آدم حتی برای رفقا در کشوری توسعه یافته تلاشی بزرگ خواهد بود. در جایی مثل پاکستان، این کار دست کمی از معجزه ندارد.

افتتاح کنگره

ساعت نه و نیم صبح نمایندگان پس از گذشتن از چک امنیتی سفت و سخت سالن را پر می‌کنند. حال و هوا شورانگیز است. رفقای از تک تک مناطق و استان‌های پاکستان حاضرند: کراچی، سند، بلوچستان، پنجاب (شمال، جنوب و مرکز)، کشمیر، پشتونخوا (سرحد شمال غرب سابق) و حتی مناطق قبایل (وزیرستان، دی آی خان) که جنگ بین طالبان و ارتش پاکستان در آنها در جریان است.

مثل سال‌های گذشته ترکیب خوبی از جوانان و فعالین کارگری را می‌بینیم. رفقای از کارخانه فولاد کراچی و کارخانه برق کراچی آمده‌اند که در مبارزه علیه حزب فاشیست «جنبش متحد قومی» آبدیده شده‌اند. این کارگران به مواجهه با حملات تروریستی، قتل‌های قراردادی به دست رئیس و روسا و مافیا، جدال‌های دسته‌ای بین گروه‌های مذهبی و ملی مختلف و بسیاری مشکلات دیگر عادت دارند. اما کراچی همچنان کلید انقلاب سوسیالیستی در پاکستان است. این شهر همان موقعیت استراتژیکی را دارد که پتروگراد در انقلاب روسیه داشت.

لباس‌های مختلف خبر از حضور ملیت‌های مختلف می‌دهد. زنان (۹۵ رفیق زن حاضر بودند) بخصوص لباس‌های پررنگ مختلفی به تن دارند. بعضی‌ها چهره‌ی شرقی مردم هزاره را دارند که با مغول‌های چنگیز خان به افغانستان آمدند. جوانان انقلابی از کشمیر، دهقانان از سند، بلوچ‌ها و پنجابی‌ها و پشتون‌ها و کسانی از مناطق قبایل شمال حاضر هستند.

اما به جای رقابت ملی، روحیه وحدت رفیقانه و همبستگی انقلابی برقرار است. همه‌جا پر از هیجان و آواز و شعار است. طبق معمول پیش از آغاز جلسه‌های رسمی چند تایی از رفقا به صحنه می‌آیند تا سرودهای انقلابی بخوانند و شعرهای انقلابی دکلمه کنند. در ساعت ۱۰:۳۰ کنگره رسماً توسط رفیق ریحانه از کشمیر که اکنون مسئول کار میان زنان است افتتاح می‌شود.

پیش از آغاز جلسه اول نمایندگان پیغام‌های ویدئویی حمایت و همبستگی از مارکسیست‌های برجسته‌ی کشورهای مختلف را تماشا کردند: آمریکا، مکزیک، ونزوئلا، برزیل (رفیق سرژ گولارت)، بولیوی، فرانسه، دانمارک و بریتانیا. تشویق گرم نمایندگان خبر از تعهد محکم مارکسیست‌های پاکستان به انترناسیونالیسم پرولتری و به گرایش بین‌المللی مارکسیستی می‌داد.

چشم‌اندازهای جهانی

اولین جلسه در مورد چشم‌اندازهای جهانی بود و رفیق آلن وودز از گرایش بین‌المللی مارکسیستی آن‌را معرفی کرد. رفیق آلن در سخنرانی خود توضیح داد که این جدی‌ترین بحران سرمایه‌داری نه فقط از زمان جنگ جهانی دوم که احتمالا در کل تاریخ سرمایه‌داری است. اقتصاد باصطلاح «بازار آزاد» محکوم است چرا که تنها بر پایه کمک دولتی بقا یافته. میلیاردها دلار به ثروتمندان داده شده و در عین حال دولت‌ها به فقرا می‌گویند پولی برای مدرسه و مسکن و بیمارستان و حقوق بازنشستگی نیست.

انگلی‌شنیع سرمایه‌داری را می‌توان از «فهرست پولدارها» که مجله فوربس اخیرا منتشر کرد دریافت. این فهرست نشان می‌داد آن روندی که کارل مارکس تمرکز سرمایه می‌خواند به سطوحی قبیح رسیده است. واقعیت ندارد که شکاف واقعی بین کشورهای پولدار و فقیر است. ثروتمندترین مرد جهان نه بیل گیتس که کارلوس اسلیم است؛ فردی مکزیکی که ثروت شخصی ۵۳.۵ میلیارد دلاری دارد و سال قبل ۱۸.۵ میلیارد دلار بر آن افزوده. بیل گیتس مقداری کمتر پول دارد - «فقط» ۵۳ میلیارد دلار.

اما چندتایی مولتی میلیاردر از کشورهای فقیر هستند مثل موکش آبانی، فردی هندی با ثروت شخصی ۲۹ میلیارد دلار یا دیگر فرد هندی، لاکشمی میتای با ۲۸.۷ میلیارد دلار. آن‌ها این سودهای شنیع را از نفت و فولاد درآورده‌اند در حالی که میلیون‌ها نفر از فقرای هندوستان غذای کافی برای خوردن و دسترسی به آب پاکیزه، آموزش یا تجهیزات بهداشتی ندارند. سخنران که خود از مارکسیست‌های بریتانیا است از این گفت که پاکستان هم کمبودی در انگل‌های ثروتمند ندارد و به حضور حداقل یک نفر پاکستانی در «فهرست پولدارها» اشاره کرد.

آلن توضیح داد که سرمایه‌داران تنها با تزریق مقادیر عظیم پول به بانک‌ها و صنایع خصوصی از بحران بیرون آمده‌اند اما این تنها مشکلات جدید و غیر قابل حل ایجاد می‌کند. سطوح بی‌سابقه‌ی بدهی دولتی باید پرداخت شود و نه ثروتمندان که فقرا باید پول آن‌را بدهند. بحران سرمایه‌داری یونان تنها نوک کوه یخ است. تلاش برای انداختن خرج بحران بر دوش کارگران یونان فی‌الحال به چند اعتصاب عمومی و تظاهرات توده‌ای انجامیده است. او گفت سایر کشورها هم همین راه را طی می‌کنند که به افزایش عمومی مبارزه طبقاتی می‌انجامد.

آلن سپس به روابط جهان پرداخت و اشاره کرد امپریالیسم آمریکا درگیر جنگی غیر قابل پیروزی در افغانستان است. آن‌ها باید از عراق بیرون بیایند و به تنها چیزی که رسیده‌اند بی‌ثبات‌سازی خاورمیانه است. اواما تصویری از ناتوانی است و ناتانیاهو توانست علنا بر سر مسئله‌ی فلسطین حرفش را زمین بزند. جنگ افغانستان به بی‌ثبات‌سازی پاکستان انجامیده و همین اثر را در آسیای مرکزی هم داشته است.

علیرغم همه‌ی این‌ها ظرفیت انقلابی رو به تکامل است. رویدادهای چشمگیر ایران، که در آن میلیون‌ها نفر در مبارزه با رژیم ارتجاعی آخوندها به خیابان آمدند، این را نشان می‌دهد.

آلن اشاره کرد که دولت‌ها می‌خواهند تمام تقصیر بحران را به گردن توده‌ها بیاندازند. آن‌ها میلیاردها دلار به بانکدارها داده‌اند و حالا صورت‌حسابش را به گردن فقرا می‌اندازند. این اتفاق در پاکستان نیز می‌افتد. او گفت پنجاه درصد تمام ثروتی که عرق و زحمت کارگران و دهقانان پاکستان ایجاد کرده به بانکداران خارجی داده می‌شود و اسم این را گذاشته‌اند «بازپرداخت

بدهی» و تازه ۲۸ درصد بیشتر هم به ارتش داده می‌شود. «می‌ماند ۱۲ درصد برای بهداشت، آموزش و پرورش و زیرساخت‌ها. و تازه حالا می‌خواهند همین را هم کاهش دهند!»

رفیق وودز با طعنه از آن روزنامه‌نگارانی صحبت کرد که در نشریات می‌نویسند باید قطع برق‌ها را تحمل کنیم «چرا که دموکراسی داریم». آلن، در میان خنده بلند حضار گفت: «این‌ها قطع برق نیست، قطع برق **دموکراتیک** است. این گرانی نیست، گرانی دموکراتیک است. و وقتی مردم در خیابان‌های اسلام‌آباد اعتراض می‌کنند، پلیس با گلوله‌های **دموکراتیک** به سراغشان می‌آید؛ گاز اشک‌آور **دموکراتیک** به چشمشان می‌زند و با گلوله‌های **دموکراتیک** زخمی‌شان می‌کند».

برای کسانی که در لیموزین‌های بزرگ اسلام‌آباد را دور می‌زنند، دموکراسی هست. اما برای کارگران و دهقانانی برای سر کردن با قطع برق‌های ۲۰ ساعته در تقلا هستند دموکراسی اگر اصلاً معنایی داشته باشد، آن معنا باید این باشد: *روتی، کاپرا، و مکان (نان، لباس و مسکن)*. این گفته‌ی آلن با تشویق پرشور مواجه شد.

بحث و پاسخ

سپس جلسه‌ی پرسش و مشارکت در بحث بود که در آن کنگره با علاقه‌ی بسیار به سخنان امانوئل توماسلی، از گروه «درفونکه» (مارکسیست‌های اتریش) و صحبت‌های رفیق حمید خان (کوئته) و معظم کظمی از بخش آلمان گرایش بین‌المللی مارکسیستی گوش فرا داد. حمید خان گفت انقلاب در ایران به جلو می‌رود و تأثیری بزرگ بر پاکستان می‌گذارد.

رفیق امانوئل توضیح داد که سرمایه‌داری نظامی ناکام است چرا که نه تنها مردان و زنان زحمتکش و کارگر را استثمار می‌کند که برای جبران مقادیر عظیمی که به بانک‌ها داده تا آن‌ها را از فروپاشی نجات دهد هم به کمک مالی این زحمتکشان محتاج است. جوامعی که ثروت ملت‌ها را نابود می‌کنند تا نظام مولدشان را نجات دهند عاقبتی ندارند و باید به زباله‌دان تاریخ انداخته شوند.

حتی فجایع انسانی مثل زلزله در هائیتی مورد سواستفاده برای دلایل نظامی استراتژیک و برای مقابله با نفوذ انقلاب‌های ونزوئلا و کوبا در آمریکای لاتین قرار می‌گیرد که در آن روند انقلابی از هر جای دیگری پیش‌تر رفته است. او اشاره کرد که این بحران چه تأثیراتی بر شرایط زندگی طبقه‌ی کارگر گذاشته و چه تأثیراتی بر سازمان‌های توده‌ای طبقه خواهد گذاشت که از بالا تا پایین تکان می‌خورند.

او توضیح داد مارکسیست‌های اروپا شاهد طلوع مبارزات بزرگ اقتصادی و سیاسی طبقه‌ی کارگر در کشورهای امپریالیست هستند. از نظر سیاسی این به عروج احزاب کمونیست و چپ و جریان‌های چپ توده‌ای در احزاب سوسیال دموکرات می‌انجامد. او صحبت خود را با این حرف تمام کرد که: «تمام مفاهیم سیاسی در بحران هستند مگر مارکسیسم انقلابی و ما همه خوشبینیم. باید جهت تدارک برای نبردهای پیش رو هر چه می‌توانیم بکنیم».

رفیق آلن در بخش پاسخ به بعضی از سوال‌های بسیاری که به او داده شد پاسخ گفت. آلن در پاسخ به سوالی راجع به حزب مردم پاکستان گفت دو حزب مردم وجود دارد: «حزب مردم» بوروکرات‌ها و کارپرست‌های فاسد و «حزب مردم» میلیون‌ها کارگر و دهقان تحت ستم که برای تغییر جامعه به این حزب رای دادند: «ما در کنار دومی هستیم و به شدت با اولی

مخالفیم. ما در تمام اعتراضات و مبارزات برای دفاع از سطح زندگی مشارکت می‌کنیم و تلاش می‌کنیم به آن محتوای سوسیالیستی انقلابی بدهیم».

آلن در انتها از تصمیم تاریخی کمیته‌ی اجرایی بین‌المللی گرایش بین‌المللی مارکسیستی برای حمایت از ایجاد انترناسیونال پنجم گفت. این به رای گذاشته شد و به تصویب اتفاق آرا رسید و بخش اول کنگره با تشویق ایستاده حضار پایان یافت.

بخش دوم

پس از استراحت برای نهار بخش دوم کنگره در مورد چشم‌اندازهای پاکستان بود و پیش از آن جواد احمد، خواننده‌ی مشهور، سرود انترناسیونال را با ترجمه‌ی اردوی خودش خواند. کل کنگره به پا خواست و بیت آخر را با روحیه پرتوان انقلابی خواند. لحظه‌ای مملو از احساس بود و سپس نوبت فریاد زدن بلند شعارها بود: *انقیلاب، انقیلاب، سوشیالیست / انقیلاب!* (انقلاب، انقلاب، انقلاب سوسیالیستی!)

بخش دوم کنگره، در مورد چشم‌اندازهای پاکستان، توسط رفیق پراس جان معرفی شد که صحبت خود را با تاکید بر تاثیر بحران سرمایه‌داری جهانی بر پاکستان آغاز کرد. دولت از بهانه‌ی «جنگ علیه تروریسم» برای توجیه حملاتش به سطوح زندگی استفاده می‌کند. رفیق پراس حزب ارتجاعی «مسلم لیگ» نواز شریف را محکوم کرد اما در ضمن به انحطاط کامل رهبری حزب مردم اشاره کرد که به کلی به سرمایه‌داری و امپریالیسم تسلیم شده.

رفیق پراس به تناقضات عمیق درون دولت بورژوازی پاکستان و تخاصم بین بخش‌هایی از نیروهای مسلح و سرویس جاسوسی اشاره کرد. او به نقش انقلابی جوانان و بخصوص کارگران اشاره کرد. کارگران حتی در بانو، در میانه‌ی پشتونخوای جنگ‌زده، دست به اعتصاب زده‌اند. «کمپین دفاع از اتحادیه‌های کارگری در پاکستان» تلاش‌های فوق‌العاده‌ای انجام داده و بازتاب خوبی پیدا کرده. در همه‌جا آتش ناراضی می‌سوزد و مردم حتی در مناطقی که جنگ شعله‌ور است، مثل بلوچستان و پشتونخوا، از افکار انقلابی استقبال می‌کنند.

در بخش بحث، رفقای از بلوچستان، کشمیر، پشتونخوا (سرحد شمال غرب سابق) و سند صحبت کردند. کنگره بخصوص استقبال گرمی به رفیق امجد شاهسوار نشان داد. امجد رئیس فدراسیون ملی دانشجویان جامو و کشمیر است؛ بزرگترین سازمان جوانان در کشمیر که رهبری آن به دست گرایش مارکسیستی است. او تاکید کرد تنها راه‌حل مسئله‌ی کشمیر، انقلاب سوسیالیستی در کشمیر، هند و پاکستان است: «و تنها نیرویی که قادر به آوردن چنین انقلابی است در این سالن جمع شده!».

رفیق فاضل قادر، رهبر کارگران راه‌آهن پیشاور، علیه تئوری استالینیستی دو مرحله صحبت کرد که به شکست انقلاب ۹-۱۹۶۸ و مستقیماً به دیکتاتوری ضیال‌الحق انجامیده. کارگران از آن موقع تا بحال بهای این شکست را پرداخته‌اند.

لعل خان، رهبر بخش پاکستان گرایش بین‌المللی مارکسیستی، در بخش پاسخ گفت نه فقط اقتصاد پاکستان که خود بنیان ایدئولوژیکی که جدایی هند و پاکستان بر آن قرار داشته در بحران است. تمام جدایی‌های مصنوعی که دو کشور را جدا کرده ارتجاعی هستند، از جمله خط دوراند که مردم پشتون آنرا نمی‌پذیرند. راه پیشروی را انقلاب روسیه با اتحاد مردم ستم‌دیده‌ی ملیت‌های مختلف تحت برنامه‌ی انقلاب سوسیالیستی نشان داد.

«پاکستان از زمان جدایی از هند تا بحال چه چیزی به مردم داده است؟ تنها ۱۵ تا ۲۰ درصد مردم در اقتصاد «سفید» رسمی شاغل هستند. دستمزد رسمی برای امرار معاش کافی نیست - برای بقا هم به زحمت کافی است. شرایط اکنون با قطع برق، قطع گاز و غیره حتی بدتر هم شده است. با این حال رهبران حزب مردم هنوز صحبت از آشتی ملی می‌کنند!

«بیش از نیمی از سرمایه‌گذاری صنعتی در پاکستان در دست ژنرال‌ها است. کشور را دارند صنعتی‌زدایی می‌کنند. کشور در عین حال به دست امپریالیسم آمریکا اداره می‌شود. سیاست فاجعه‌بار باصطلاح «دفاع در عمق» ما را به جنگ در افغانستان کشانده است. این سیاست به افزایش شدید تجارت مواد مخدر و تروریسم، پا گرفتن اقتصاد سیاه و تجزیه دولت و جامعه انجامیده است.

«آن نوع دموکراسی که ما برایش می‌جنگیم نه دموکراسی قلابی بورژوازی که دموکراسی شورایی واقعی بر پایه حکومت طبقه کارگر است. تنها راه مجبور کردن حزب مردم به تغییر مسیر این است که زرداری و سیاست‌هایش را مورد نقد بی‌رحمانه قرار دهیم و مبارزه توده‌ها علیه خصوصی‌سازی و در دفاع از شغل‌ها و سطح زندگی را رهبری کنیم.

«ما تئوری استالینیستی دو مرحله را رد می‌کنیم: «اول برای دموکراسی بجنگ، بعد برای سوسیالیسم». در واقع استالینیست‌های پاکستان دیگر نه تئوری دو مرحله‌ای که تئوری **یک مرحله‌ای** دارند - آخر سوسیالیسم را به کلی یادشان رفته! (خنده حضار)

«از پاکستان تصویر جامعه اسلامی مذهبی می‌دانند اما اکثریت پاکستانی‌ها در واقع از بنیادگرایان متنفرند. ما علیه بنیادگرایان و امپریالیست‌ها می‌جنگیم. رفیق علی وزیر امروز در این سالن است اما ۲۵ رفیق دیگر از (مناطق قبایل) وزیرستان نتوانستند اینجا باشند چرا که ارتش پل را بسته و جلویشان را گرفته» (این رفقا در روز بعد به کنگره رسیدند).

رفیق لعل خان در پایان تلاش‌های دشمنان جنبش مارکسیستی برای کوچک جلوه دادن دستاوردهای سازمان «جد و جهد» و دروغ‌پراکنی در مورد این کنگره را به سخره گرفت. لعل خان با اشاره به حضور عظیم مردم که تمام صندلی‌های سالن بزرگ را پر کرده بودند و مردم در راهروها هم ایستاده و نشسته بودند، چالشی پیش روی مرتدان و دشمنان مارکسیسم قرار داد:

«من به این‌ها می‌گویم: بیایید و خودتان ببینید! (خنده و تشویق) بیایید و خوب نگاه کنید! آدم‌های حاضر را بشمرید! تک‌تک‌شان را بشمرید! و بعد به ما بگویید این کنگره کارگری واقعی نیست! بیایید اینجا و از حضار بپرسید چه فکر می‌کنند و آن‌ها با یک صدا پاسخ می‌دهند: صدای مارکسیسم انقلابی!».

این آخرین گفته‌های لعل خان با تشویق ایستاده و فریاد شعارهای انقلابی مورد استقبال قرار گرفت. نمایندگان سپس برای کمیسیون‌های کار در اتحادیه‌های کارگری، جوانان و زنان به سه گروه تقسیم شدند.

(گزارش روز دوم کنگره فردا منتشر می‌شود...)

منبع: «در دفاع از مارکسیسم»، وبسایت گرایش بین‌المللی مارکسیستی،
(<http://www.marxist.com/>)، ۲۲ مارس ۲۰۱۰